

ع ش

جناب میرزا ابوالفضل الّذی فاز بالعناية الكبرى من لدى الله مولى الوری

بنام یکتا خداوند بیهمتا

حمد و ثنا متغمّسین بحر تجرید را لایق و سزا که در ظلمت ایّام و اعتساف انام و احزان وارده و هموم و غموم نازله از توجّه  
ببحر احدیّه و شمس ابدیّه محروم نماندند سبحات اسماء ایشان را از مالک اشیاء منع نمود اسماء را گذاردند و ببحر معانی  
توجّه نمودند آنهم عباد شربوا باسمی القیوم ریحی القیوم ما سوی الله در نظرشان بمثابة کفّی تراب و قبضهئی رماد بوده و  
هست باسم از مالک آن محروم نشدند باستقامتی بر امر قیام نموده اند که فرائض معرضین بیان از آن مضطرب جلّت قدرته و  
جلّت عظمته و لا اله غیره

یا ایّها الناظر الی افقی و الناشر لوآء نصرتی بالحکمة و البیان اشهد أنّک اردت الاصلاح فی کلّ الأحوال و نصحت  
العباد بالبرّ و الفلاح طوبی لک و لمن احبک لوجهی و سمع قولک فی امری نسأل الله تبارک و تعالی ان یمدک بجنود الغیب و  
الشّهادة أنّه ولیّ المحسنین قد سبقت رحمته و احاطت عنايته طوبی لمنصف انصف فی امره و لعادل نطق بالعدل فیما ظهر من  
عنده

یا ابوالفضل علیک بهائی و عنایتی و رحمتی آنچه در آن ارض واقع شد معلوم و مشهود تبارک الّذی منع اصفیائه عن  
الفساد و البغی و الفحشاء و امرهم بالبرّ و الصّلاح و التّقوی لله الحمد در سیلش کشته شدید و نکشتید اولیا را در جمیع  
احوال بسکون و اطمینان و اصلاح امور عباد و تهذیب نفوس و امانت و دیانت و عصمت و عفّت و وصیّت نما انا کنا معک فی  
الهآء و المیم و فاز عملک فیها بعزّ قبولی و شرف رضائی و فی ارض الیاء بما ینبغی لک فی امر ربّک الملهم المشفق الّامین  
بگو ای عباد براستی گفته میشود و براستی بشنوید حقّ جلّ شأنه ناظر بقلوب عباد بوده و هست و دون آن از برّ و بحر  
و زخارف و الوان کل را بملوک و سلاطین و امرا واگذارده چه که لازال علم یفعل ما یشآء امام ظهور بازغ و ساطع و متلائی  
آنچه امروز لازمست اطاعت حکومت و تمسّک بحکمت فی الحقیقه زمام حفظ و راحت و اطمینان در ظاهر در قبضه اقتدار  
حکومت است حقّ چنین خواسته و چنین مقدرّ فرموده قسم بآفتاب راستی که از افق سماء سجن اعظم مشرق و لائحست  
یک نفس از مأمورین دولت از یک فوج ارباب عمائم عندالله اقدم و افضل و ارحم است چه که این نفس در لیالی و ایّام  
بخدمتی مأمور است که آسایش و راحت عباد در اوست ولکن آن فوج در لیالی و ایّام در فساد و رد و سب و قتل و تاراج  
مشغولند مدّتیست که در ایران حضرت سلطان ایّده الله تبارک و تعالی این مظلومهای عالم را از شرّ آن نفوس حفظ نموده و  
مینماید معذلک آرام نگرفته اند هر یوم شورشی برپا و غوغائی ظاهر امید هست که یکی از ملوک لوجه الله بر نصرت این حزب  
مظلوم قیام نماید و بذکر ابدی و ثناء سرمدی فائز شود قد کتب الله علی هذا الحزب نصرة من نصرهم و خدمته و الوفاء بعهده  
باید این حزب در جمیع احوال بر خدمت ناصر قیام نمایند و لازال بحبل وفا متمسّک باشند طوبی لمن سمع و عمل و ویل  
للتّارکین

یا قلم دع الأذکار متوکلاً علی الله المهیمن القیوم ثمّ اذکر من صعد الی الرّیق الأعلى بالوجهة الحمراء و اشتعل بنار  
العشق فی مدینة العشق و قل

اول نفعة فاحت من مسک المعانی و البیان علیک یا من انفتحت روحک فی سبیل الرّحمن اشهد أنّک نبذت الأوہام و  
اقبلت بنور یقین الی مشرق الالهام و اجتذبتک جذب التّدآء الی الأفق الأعلى فی ایّام فیها اشتعلت نار البغضاء فی صدور الّذین

نبذوا التّقوی و انکروا حجّة الله مولى الوری و ربّ العرش و الثّری اسألك یا مقصود العالم بهذا الدّم الذی سفک فی حبّک ان  
تغفر عبادک الذین وفوا بعهدک و میثاقک و اعترفوا بما انزلت فی کتابک المبین الحمد لک یا اله العالمین

---

این سند از [کتابخانه منابع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) داندلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایند.

آخرین ویراستاری: ۱۵ مه ۲۰۲۴، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر